

کارنامه حقوق بشری حکومت افغانستان

عبدالحمید عارفی*

چکیده

حفاظت و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری افراد و مبارزه جدی با ناقضین آن‌ها، از عمده‌ترین وظایف و مسئولیت‌های دولت است. فراهم‌سازی زمینه بهره‌مند شدن افراد از حقوق بشری و آزادی‌های عمومی و تعیین مسئولیت و تعهدات زمامداران نسبت به آن، لازم و ضروری بوده و به‌عنوان محور اساسی و حقوقی افراد قلمداد شده و بر اساس آن، باید قانون‌گذاری صورت گرفته و حقوق اساسی و شهروندی افراد و مکلفیت‌های حکومت را در جامعه معین و مشخص سازند. قانون‌گذار افغانستان در تدوین و تصویب قانون اساسی و قوانین عادی خویش، حقوق بشر و آزادی‌های عمومی افراد را به‌صورت واضح، مشخص و همراه با محدودیت‌های آن، مطرح نموده و در این زمینه مکانیزم‌های حمایت حقوق بشر در ادارات دولتی را ارائه کرده که در این مقاله به موارد آن اشاره شده است. حکومت افغانستان در دوره جدید، جهت حمایت و تأمین ارزش‌های حقوق بشری افراد، صرفاً به تدوین و تصویب اسناد تقنینی اکتفا نکرده؛ بلکه تلاش‌های مسئولانه از خود نشان داده است و در این راستا گام‌های عملی و مؤثر را نیز برداشته و اقدامات جدی را انجام داده است.

* پژوهشگر و استاد دانشگاه گوهرشاد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، آزادی‌های عمومی، مکلفیت‌ها، کارنامه، اقدامات

حکومت افغانستان.

مقدمه

تبیین ارزش‌های حقوق بشری افراد در افغانستان مورد توجه بوده و یکی از مهم‌ترین بخش‌های قانون اساسی را تشکیل می‌دهد. در قانون اساسی افغانستان فصلی جداگانه به ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه اختصاص یافته است و احترام به حقوق بشر و جامعه‌ای مبتنی بر دموکراسی و عاری از ظلم، استبداد، نفی تبعیض و خشونت، قانون‌مندی، عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی برای همه ساکنان این سرزمین مورد تأکید قرار گرفته است. بدون شک، توجه به ارزش‌های حقوق بشری افراد و شهروندان از برجستگی‌های قانون اساسی افغانستان بوده و تضمین‌کننده آن ارزش‌ها تلقی می‌گردد. در این قانون، هر نوع تبعیض و امتیاز ناروا بین اتباع افغانستان ممنوع شمرده شده است و اتباع افغانستان را، اعم از زن و مرد، در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی دانسته و حکومت را مکلف نموده است تا حقوق و آزادی‌های همه اتباع و شهروندان را تأمین نماید. حق برخورداری همه افراد و شهروندان از حقوق و مکلفیت‌های حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به صورت یکسان با قطع نظر از مسأله نژاد، قوم، مذهب، زبان و مانند این‌ها، مورد تأکید قانون اساسی بوده است.

۱. قلمرو و محدودیت‌های حقوق بشر

حقوق بشر برای همه افراد بشر از آن جهت که بشر هستند، به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و باید از طرف دولت و جامعه مورد احترام باشد. احترام و حرمت گذاشتن به این حقوق باعث رشد شخصیت انسانی و شکوفاشدن استعداد‌های آنان می‌گردد. انعکاس این ارزش‌ها در قوانین نافذ کشور، خصوصاً در قانون اساسی، و حمایت مؤثر از طرف قدرت سیاسی، تضمین‌کننده این ارزش‌ها بوده و ضمانت اجرای آن به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر، رعایت حقوق بشری افراد در جامعه، توانایی‌هایی را برای افراد به همراه خواهد داشت که به موجب آن‌ها، هر فردی در زندگی اجتماعی اعمال و رفتار خویش را خود انتخاب کرده و اختیار می‌نماید و لزوماً این توانایی‌ها به وسیله حقوق موضوعه باید از حمایت مستحکمی

برخوردار باشند و سازماندهی گردند (خسروی، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۱)؛ اما نکته قابل تأمل این است که بدون تردید افراد در جامعه باید از ارزش‌های حقوق بشری خویش بهره‌مند باشند؛ ولی آیا برخوردارشدن از این حقوق و ارزش‌ها دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشد یا خیر؟ آیا افراد در جامعه می‌توانند به هر نحوی که بخواهند، از حقوق بشری خویش استفاده نمایند؟ از لازمه زندگی اجتماعی، پذیرفتن ناگزیری‌ها و رعایت یک سلسله التزامات لازم و ضروری است. نتیجه این‌که افراد نمی‌توانند رفتارها و عملکردهای دلخواه خویش را همیشه و همه‌جا انجام دهند؛ بنابراین، هم‌چنان‌که تبیین این ارزش‌ها در قوانین مهم هستند، محدودیت‌های آن‌ها نیز باید در قوانین انعکاس یافته و به صراحت بیان گردد. این محدودیت‌ها باید با توجه به چارچوب‌ها و معیارهای قانونی ترتیب و تنظیم گردند؛ لذا همه افراد آزادند که رفتارهای‌شان را در چوکات قانون انجام دهند تا به حقوق و ارزش‌های دیگران زیان‌آور نباشند. افراد از تعرض دولت با توجه به معیارها و احکام قانونی مصون هستند و حوزه اقتدار و حاکمیت دولت‌ها نسبت به رفتارهای افراد نیز در قوانین تعیین و محدود می‌گردد. دولت‌ها مکلف شده‌اند تا زمینه بهره‌مندشدن از این حق را به‌صورت قانونی برای همگان فراهم نمایند. هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه داشتن این حق، دیگران را از حقوق و ارزش‌های بشری‌شان محروم نماید. اصل احترام به کرامت انسانی و عزت انسان‌ها ملاک و معیار استفاده از این حقوق و ارزش‌ها می‌باشد (دانش، ۱۳۵۴: ۵۳۵). هیچ‌کسی مجاز نیست به بهانه آزادی بیان، اسرار زندگی خصوصی دیگران فاش نماید و یا به توهین و تحقیر انسان‌ها دست بزند و به‌راحتی کسی را تکذیب نماید و به اشخاص تهمت ناروا بزند و مکالمات تلفنی افراد را فاش سازد. همه این نوع اعمال و رفتارها مغایر با ارزش‌های حقوق بشری افراد تلقی گردیده و ممنوع شمرده شده است (همان، ۵۴۲-۵۴۳)؛ مگر در مواردی که قانون تجویز نماید.

۲. کارنامه حکومت افغانستان در تأمین ارزش‌های حقوق بشری

حکومت افغانستان با وجود مشکلات‌ها و چالش‌های بزرگ و پس از پشت سرگذشتن چهاردهه بحران، بی‌ثباتی و جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی و تحمیلی، اقدامات و کارکردهایش در قبال ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه قابل تأمل و بررسی بوده و قابل ستایش است. از نظر افکار عمومی نیز تمام اقدامات و برداشتن گام‌های عملی حکومت نسبت به ارزش‌های حقوق بشری افراد مبنی بر قانون‌مداری، احترام‌گذشتن به حقوق بشر شمرده شده

و از دستاوردهای مهم حکومت در دوره جدید تلقی شده است. بررسی کارنامه حقوق بشری حکومت افغانستان نشان‌دهنده توجه حکومت و اهمیت‌دادن به ارزش‌های حقوق بشری و نهادینه‌نمودن این ارزش‌ها در جامعه است. از انصاف به دور خواهد بود اگر تلاش‌های جدی و برداشتن گام‌های مؤثر و استوار حکومت در زمینه طرح و تأمین ارزش‌های حقوق بشری افغان‌ها نادیده گرفته شود. واقعیت این است که حکومت افغانستان همواره تلاش نموده است تا نسبت به تعهدات خود در قبال معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی حقوق بشری و قوانین داخلی مرتبط به حقوق بشری، متعهد و پایبند باشد؛ بنابراین، لازم و ضروری است که اقدامات صورت‌گرفته از سوی حکومت و کارکردهای حقوق بشری حکومت در دوره جدید به بررسی گرفته شود.

۱-۲. تدوین قانون اساسی

اولین گام و مهم‌ترین اقدام در راستای تبیین و تأمین ارزش‌های حقوق بشری از سوی حکومت افغانستان، تدوین و تصویب قانون اساسی ۱۳۸۲ است. قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر و وثیقه و سند مهم ملی، مهم‌ترین رسالت برقراری نظم اجتماعی و حفظ ارزش‌های حقوق بشری را در جامعه به عهده دارد. در تمامی عرصه‌های مختلف اجتماعی، نظام‌مندی پدید آورده و بین نظام سیاسی و آزادی‌های افراد ارتباط و تعادل ایجاد می‌نماید؛ بنابراین، تدوین قانون اساسی در افغانستان یکی از دستاوردهای مهم دولت افغانستان در راستای حراست از ارزش‌های حقوق بشری افراد و ضمانت اجرای آن شمرده شده است و به اعتراف همه دانشمندان حقوق اساسی و نهادهای بین‌المللی، به‌عنوان یکی از بهترین قانون اساسی در منطقه مطرح است. در این قانون، بهترین نظام دموکراتیک با تأکید بر حفظ و حراست از ارزش‌های حقوق بشری و دینی پیش‌بینی شده است. این سند ملی تضمین‌کننده ثبات سیاسی و وحدت ملی مردم افغانستان محسوب گردیده است و تنها سندی است که می‌توان توسط آن از تبعیض، انحصارطلبی، نزاع‌ها و منازعات در جامعه جلوگیری نمود؛ بنابراین، قانون اساسی افغانستان ضامن بقای افغانستان بوده و تأمین‌کننده حقوق بشری و شهروندی برای شهروندان و همه افراد در جامعه است.

می‌توان ادعا نمود که این قانون، مسیر کلی کشور را به‌طور شایسته تعیین نموده است و دولت‌مردان نیز کوشش کرده‌اند تا عملکردشان را طبق این سند ملی تنظیم نمایند و دستورات آن را مورد عمل قرار دهند. بر اساس این قانون، نظام حاکم در افغانستان مبتنی بر اصل تفکیک قوا بوده و مسئولیت‌ها و وظایف هر قوه در این قانون اساسی مشخص و معین شده است. تمام

روندهای قانونی و جاری در کشور مبتنی بر قانون اساسی است؛ لذا قانون اساسی در افغانستان به‌عنوان میثاق ملی و نقطه وفاق ملی، مورد احترام تمامی شهروندان بوده و خواهد بود. البته نقض قانون اساسی و عدم تطبیق آن در موارد زیادی غیر قابل انکار است که توسط نهادهای مختلف صورت گرفته است؛ ولی با آن‌هم باعث کاهش ارزش این سند ملی نخواهد شد و از اهمیت آن به هیچ‌وجه نخواهد کاست. تمسک به قانون اساسی تنها راه خاتمه‌دادن به بحران بوده و تأمین‌کننده حقوق بشری و شهروندی در جامعه است. به همین دلیل، لازم است که همه افراد و نهادها نسبت به این وثیقه ملی احساس مسئولیت نموده و با ناقضین آن، مبارزه مشترک و جدی داشته باشند و آرامش خویش را در پرتو قانون اساسی بدانند و این باورمندی ایجاد گردد که قانون‌پذیری و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی، تنها راه بیرون‌رفت از وضعیت موجود است. فصل دوم قانون اساسی اختصاص داده شده به ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد در جامعه‌ای بدون تبعیض، مانند حق حیات (ماده ۲۳)؛ به این بیان که... هیچ‌کس بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد و هم‌چنین آزادی‌های عمومی در این قانون به‌عنوان حقوق طبیعی افراد قلمداد شده است و لازم است به موارد آن اشاره گردد:

- آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت (ماده ۳۹): آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت از حقوق بشری و اساسی افراد بوده و برای تأمین نیازمندی‌های شغلی، تجارت، تحصیل، پزشکی و امثال آن‌ها می‌توانند در داخل و خارج از کشور از این حق خود بهره‌مند گردند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)؛ بنابراین، هر فردی در هر زمان که بخواهد، باید با امنیت کامل از راه‌ها به‌صورت آزاد، برابر و رایگان استفاده نماید و در محل مورد علاقه خود سکونت نماید. هیچ‌کس حق ندارد احدی را از این حق محروم نماید (دانش، ۱۳۵۴: ۵۴۱).

- آزادی اندیشه و عقیده «ماده ۲۴»: آزادی اندیشه و عقیده از مهم‌ترین جلوه‌های آزادی‌های بشری در قانون اساسی افغانستان محسوب می‌گردد. بر این اساس، افراد حق دارند هرگونه تفکر، اندیشه، اعتقاد و باور نسبت به دین، اخلاق، مذهب، سیاست و امثال آن‌ها داشته باشند. آزادی اندیشه و عقیده این است که افراد در جامعه بتوانند به اختیار خود اندیشه و تفکر نموده و عقیده خود را انتخاب نمایند. تحمیلی در پذیرش آن صورت نگیرد و اجباری نیز برای اعتراف آن وجود نداشته باشد

(رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۲۱). افراد با داشتن هرگونه فکر و عقیده آزاد است و هیچ‌کسی، به‌شمول حکومت، نمی‌تواند شخصی را به صرف داشتن فکر و عقیده خاص تحت تعقیب و پیگرد قرار دهد. آزادی در اندیشه و تفکر، خلاقیت، نوآوری و شکوفایی استعدادهای انسانی را در پی خواهد داشت و محدودکردن آن باعث نابودی استعدادهای انسانی خواهد شد و در نتیجه عقب‌ماندگی جامعه را به‌دنبال خواهد داشت؛ لذا باید زمینه برخوردارشدن افراد جامعه از این حق فراهم گردد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۸). طبق تأکید قانون اساسی، آزادی، حق طبیعی انسان است و این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد.

- آزادی بیان «ماده ۳۴»: آزادی بیان این است که افراد در اظهار دیدگاه‌ها، اندیشه، عقیده، افکار و معلومات آزاد باشند و بتوانند با استفاده از طریق گفتار، کتب و آثار هنری، کنفرانس، مطبوعات و امثال آن‌ها، دیدگاه‌های خود را به دیگران منتقل نموده و بازگو نمایند (همان، ۱۴۹). آزادی بیان، از جمله حقوق انسانی است که در زمینه برزودادن افکار، عقاید و اندیشه، بدون هراس از تعقیب، مجازات و بازداشت، برای افراد در جامعه تضمین گردیده و در قوانین نافذ کشورهای انعکاس یافته است. در قانون اساسی افغانستان نیز به رسمیت شناخته شده و افراد در بیان مطالب خود آزادند؛ مگر آن که مخل به ارزش‌های انسانی و حقوق افراد در جامعه باشد که در قوانین نافذ کشور به تفصیل معین و تصریح شده است؛ بنابراین، آزادی بیان به‌طور مطلق و نامحدود و بدون قید در نظر گرفته نشده است؛ بلکه دارای محدودیت‌هایی است که از نظر دینی و حقوقی با اهمیت بوده و در مورد آن‌ها تأکیدات زیادی صورت گرفته است. آزادی بیان نباید باعث تضعیف دین و توهین به مقدسات گردد؛ نباید مغایر با کرامت انسان‌ها باشد و نباید به عزت، آبرو و حیثیت افراد در جامعه صدمه وارد نماید (دانش، ۱۳۹۴: ۵۴۶-۵۴۷).

- آزادی دینی و مذهبی «ماده ۲»: با توجه به این ماده قانون اساسی افغانستان، هر فرد حق دارد که در امور دینی و مذهبی دارای عقیده خاصی بوده و در انجام مراسم دینی و مذهبی‌اش آزاد باشد و به‌طور علنی آموزه‌های دینی و مذهبی‌اش را تعلیم بدهد

(رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۰)؛ بنابراین، انجام مراسم دینی و مذهبی، تعلیم و تربیت و عمل به احکام دینی و مذهبی در جامعه از لازمه آزادی دینی و مذهبی محسوب می‌شود؛ منتها نکته قابل توجه این‌که افراد در جامعه نمی‌توانند به بهانه برخورداری بودن از این اصل، حدود و موازین قوانین و حفظ نظم عمومی را نادیده بگیرند؛ لذا اجرای مراسم دینی و مذهبی نباید باعث جریحه‌شدن پیروان سایر ادیان و مذاهب گردد. پیروان مذاهب در افغانستان در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن در محاکم رسمیت دارند.

- آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌ها «ماده ۳۶»: آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در قانون اساسی افغانستان بیان شده است؛ به طوری که اشخاص می‌توانند با توجه به قوانین نافذ کشور، در محل معینی جمع شده، درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و... تبادل نظر نمایند. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون سلاح، به شرط آن که محل به مبانی و ارزش‌های اسلامی و باورها و توهین به مقدسات مذهبی نباشد، آزاد است؛ بنابراین، قانوناً اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، اجتماع و تظاهرات نمایند.

- آزادی و حق داشتن شغل مناسب «ماده ۴۸»: اشتغال هر فرد در قانون اساسی افغانستان مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و نسبت به آن تأکید شده است. بر اساس آن، هرکس آزاد است و حق دارد هر نوع شغلی را که بدان مایل است، انتخاب کند؛ البته در چوکات قوانین و مشروط به این‌که مخالف قوانین حکومتی و معایر شریعت و نظم عمومی و اخلاق حسنه و در تعارض با حقوق دیگران نباشد. (دانش، ۱۳۹۴: ۵۵۷)؛ پس کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می‌باشد. کار اجباری ممنوع است. سهم‌گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب کلی هر افغان است و تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد. دولت مکلف است با توجه به نیاز و توانمندی افراد در جامعه، امکان اشتغال مناسب را فراهم نماید.

- آزادی در انتخاب مسکن و مصونیت آن «ماده ۳۹»: با توجه به اهمیت مسکن افراد در جامعه، خانه و یا هر محلی که افراد در آن سکونت دارند، باید از تعرض مصون باشد و بدون اجازه صاحب آن هیچ کس، به شمول مأمورین دولتی، حق ورود و یا بازرسی مسکن اشخاص را ندارد. اما در صورت لزوم مکلف هستند که مجوز بازرسی و تفتیش از مقامات قضایی و محکمه باصلاحیت را داشته باشند. برای این که مسکن وسیله آرامش و رشد شخصیت انسان بوده و آسایش فکری و روانی انسان در گرو مصونیت و امنیت منزل میسر می‌باشد. مسکن بخشی از حریم خصوصی افراد بوده و هیچ کسی حق دخالت در این بخش از زندگی افراد را ندارد (دانش، ۱۳۹۴: ۵۴۲). مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. دولت مکلف است در این راستا مسئولیت خویش را جدی گرفته و در جهت حفظ و مصونیت مسکن افراد در جامعه تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

- آزادی در تعلیم و تحصیل «ماده ۴۳ و ۴۴»: طبق قانون اساسی افغانستان، برخوردار شدن از تعلیمات و تحصیلات حق همه مردم است. دولت مکلف است تا زمینه تعلیم و تحصیل را به‌طور رایگان فراهم کند. (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۹ - ۱۵۰). تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به‌صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به‌منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان و تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند، فراهم کند. دولت مکلف است به‌منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سواد در کشور، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید.

- آزادی در انتخابات «ماده ۳۳»: از این که انتخابات روش‌گزینش و شیوه تعیین نمایندگان محسوب گردیده و شامل تمام مراحل مختلف از قبیل ثبت نام، رأی‌دهی و اعلان نتایج است، ایجاب می‌نماید که در فرایند برگزاری انتخابات، مردم طبق قانون

اساسی بتوانند آزادانه و بدون تبعیض از این حق قانونی‌شان برخوردار گردیده و بدون ترس به شخص مورد نظرشان رأی دهند و آرای مردم تعیین‌کننده نتیجه انتخابات باشد (خسروی، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۷). در این صورت است که انتخابات موجب تحکیم دموکراسی گردیده و حقوق سیاسی مردم را تثبیت و نهادینه می‌نماید و به همین ترتیب، انتخابات باعث مشروعیت حکومت گردیده و مناسبات مردم و حکومت را هرچه بیش‌تر تقویت خواهد کرد؛ بنابراین، انتخابات به‌عنوان تنها وسیله صلح‌آمیز و بدون خشونت برای ایجاد نهادهای قدرت به‌صورت فرهنگ عمومی درآمده و رهبران سعی می‌کنند قدرت را تنها از طریق جلب آرای مردم به دست آورند (دانش، ۱۳۹۴: ۴۰۱). قانون اساسی واضح بیان نموده است که اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشد. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد. دولت و نظام انتخاباتی موظف است که اصول و سازوکار قانونی را که در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی کشور به رسمیت شناخته شده است، مورد توجه قرار داده و به هیچ عنوان از آن تعدی و تخطی ننمایند تا رأی‌گیری در چنین نظامی به سمت رعایت شاخص‌های مورد نظر انجام پذیرفته و خصوصیت فراگیری، عمومیت و عادلانه‌بودن انتخابات امکان تطبیق و اجرا را پیدا نماید (خسروی، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

- آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع «ماده ۴۰»: نظام اقتصادی و حقوقی اسلام مالکیت خصوصی افراد را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که حق فرد و جامعه هر دو تأمین گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۵۳۵-۵۳۷). قانون اساسی افغانستان مالکیت خصوصی افراد را مورد توجه قرار داده و تعرض نسبت به آن را ممنوع شمرده است. ملکیت افراد از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود؛ مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی‌شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می‌باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد. طرق کسب ملکیت، محدود است با توجه به معیارها و مجوز قانونی و شرعی که بر اساس آن، به‌دست آوردن ثروت‌اندوزی‌های نامشروع و

بی حد و حصر، مهار خواهد شد.

- تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر «ماده ۵۸»: با توجه به این ماده قانون اساسی و اهمیت نظارت بر تأمین ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه، دولت مکلف شده است به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر را تأسیس نماید و هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خویش، به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آن‌ها مساعدت نماید.

- آزادی و امنیت عدلی و قضایی شهروندان «ماده ۲۵»: طبق این ماده قانون اساسی، باید افراد در جامعه از این نوع آزادی بهره‌مند باشند و باید احساس کنند که بدون دلیل تحت تعقیب و پیگرد قرار نمی‌گیرند و به صورت خودسرانه جلب و احضار آن‌ها صادر نمی‌شود و تا وقتی که که شواهد و دلایل قانونی بر مجرمیت افراد موجود نباشد، مجرم تلقی نمی‌گردند (دانش، ۱۳۹۴: ۷۲۰). پس برائت ذمه افراد حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم‌علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود. جرم یک عمل شخصی است و به شخص دیگر سرایت نمی‌کند؛ بنابراین، دولت مکلف است زمینه برخوردار شدن از آزادی‌های قضایی را برای شهروندان فراهم نماید و جلوی تعرضات نسبت به این آزادی‌ها را بگیرد و بدون موجب قانونی هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله، کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود؛ لذا است که هرکس حق دارد به منظور دادخواهی و دفاع از حقوق خویش، به محاکم با صلاحیت مراجعه نموده و دسترسی آسان به عدالت داشته باشد.

۲-۲. تدوین قانون حمایت از رسانه‌های همگانی و احترام به آزادی بیان

تدوین قانون و مقررۀ حمایت از رسانه‌های همگانی و طرز فعالیت آن‌ها، گام دیگری از سوی حکومت در راستای ترویج و تأمین ارزش‌های حقوق بشری است. حکومت افغانستان در شانزده سال گذشته تا حد زیادی به حق آزادی بیان احترام قایل شده است؛ به گونه‌ای که رسانه‌های

زیادی در سال‌های اخیر فعالیت‌های مطبوعاتی داشته و تندترین انتقادات را نسبت به نهادهای مختلف دولتی و حکومت مطرح کرده‌اند. هم‌چنین از رسانه‌های اجتماعی دیگری نیز برای اظهار نظر استفاده نموده‌اند؛ خصوصاً از فیس‌بوک و مانند آن. این رسانه‌ها به‌عنوان ابزار نظارتی و فشار بر نهادهای دولتی بوده و نتیجه آن، افزایش تخطی‌های حقوق بشری از سوی نهادهای دولتی بوده است؛ بنابراین، رسانه‌ها در همه جوامع رکن اساسی و عنصر مهم دموکراسی تلقی گردیده است؛ به دلیل این‌که دسترسی به اطلاعات باعث می‌شود تا شهروندان به روندها و مکانیزم‌های تعیین حکومت اشراف و نظارت داشته باشند و می‌توانند ببینند که حکومت و ادارات حکومتی چگونه مسئولیت خویش را انجام داده و به وظایف‌شان عمل می‌نمایند.

به عبارت دیگر، هر شهروند افغانستان حق دارد که نسبت به اسناد دولتی و گزارش کارکرد آن‌ها در ارتباط با خدمات عامه، آگاهی لازم و معلومات کافی داشته باشد. فراهم شدن زمینه حق دسترسی افراد به اطلاعات، باعث شفافیت در جامعه گردیده و پاسخ‌گویی نهادهای حکومتی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه به‌عنوان یک سازوکار منطقی مبارزه با فساد و محو آن نیز مطرح خواهد شد. به همین جهت، هیچ نیرویی، به‌شمول حکومت، نمی‌تواند به بهانه مصلحت عمومی، حفظ نظم و تأمین امنیت، مردم را در بی‌طلاعی قرار داده و حقایق و واقعیت‌های اجتماعی را در جامعه به‌صورت غیر واقعی و گمراه‌کننده جلوه دهند. حکومت افغانستان با درک این ضرورت، تلاش دارد حمایت از اطلاع‌رسانی همگانی را در اولویت کاری‌اش قرار داده و زمینه برخوردار شدن از این حق را برای تمام افراد جامعه فراهم نماید. به همین دلیل، حمایت از خبرنگاران، تأمین امنیت و مصونیت ژورنالیستان مورد توجه خاص رهبری حکومت قرار گرفته است و تأکید شده است که حمایت از رسانه‌های همگانی از وظایف مهم و اصلی حکومت به‌شمار رود. هم‌چنین، از طرف حکومت بارها تذکر داده شده و تأکید گردیده است که در مرکز و ولایات، والیان و نهادهای امنیتی، تأمین‌کننده مصونیت و امنیت ژورنالیستان بوده و یکی از مهم‌ترین وظایف آنان است. برای این‌که اطلاع‌رسانی و تأمین و تضمین این حق برای شهروندان، بستگی به امنیت و مصونیت خبرنگاران داشته است و در صورتی که رسانه‌های همگانی و خبرنگاران احساس مصونیت نداشته باشند، طبیعی است که نمی‌توانند اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع نموده و با آرامش خاطر به وظیفه‌شان عمل نمایند و نمی‌توانند با جرئت و بدون ترس و هراس، جرایم اقتصادی، فساد اداری و تخطی‌ها را افشا نمایند. اطلاع‌رسانی و دسترسی به

اطلاعات، بدون تأمین امنیت و مصونیت خبرنگاران، امکان‌پذیر نمی‌باشد. خوشبختانه حکومت از این امر مهم غفلت نکرده است و اقدامات عملی را در این ارتباط انجام داده است؛ از جمله تصویب و توشیح قانون دسترسی به اطلاعات، احکام و فرامین ویژه رئیس جمهور نسبت به فراهم‌سازی زمینه‌های دسترسی به اطلاعات از سوی مسئولان، ایجاد کمیسیون دسترسی به اطلاعات، ایجاد کمیته مشترک مصونیت برای تأمین امنیت و هماهنگی میان رسانه‌ها و حکومت تحت ریاست محترم استاد سرور دانش، معاون دوم رئیس جمهور، تدویر جلسات ماهانه در مرکز و ولایات جهت بررسی مشکلات رسانه‌ها و خبرنگاران، ایجاد مرکز هماهنگی در وزارت امور داخله و قومندانی‌های امنیه و مرکز حمایت در ریاست امنیت ملی مرکز و ولایات، بررسی دقیق چالش‌ها و قضایایی که میان رسانه‌ها و مسئولان در اطلاع‌رسانی به وجود آمده است، طرح و تفکیک دوسیه‌های خشونت علیه خبرنگاران و تعقیب جدی آن‌ها از مجرای نهادهای عدلی و قضایی، بررسی دوسیه‌های مسئولان که با رسانه‌ها همکاری نداشته و پاسخ‌گو نبوده‌اند.

البته رسانه‌ها نیز نباید از این نوع حمایت‌ها استفاده سوء نمایند و به بهانه اطلاع‌رسانی، با نشر مطالب نادرست، باعث اختلال در نظم عمومی و تشویش روانی در جامعه شوند، محدودیت‌های قانونی باید جداً رعایت گردد. حق دسترسی به اطلاعات، مانند هر حق دیگر، مطلق نبوده؛ بلکه محدودیت‌هایی نیز دارد که باید مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله حفظ ثبات و امنیت در کشور، حفظ حقوق شخصی و حریم خصوصی افراد و عدم نفرت‌پراکنی‌های قومی، زبانی، مذهبی و ترویج نکردن خشونت و... از محدودیت‌های اطلاع‌رسانی است که عدم رعایت آن، باعث اختلال در نظم عمومی خواهد شد. پس رسالت مهم رسانه‌های همگانی، اطلاع‌رسانی و روشن‌ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح آگاهی عمومی مردم است. رسانه‌ها باید نقش مفید و مؤثرشان را در جهت شفافیت و نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی، مبارزه با فساد اداری، تحکیم وحدت ملی و ایجاد همدلی و هم‌سوئی در جامعه ایفا نمایند و برای ترویج و تبلیغ ارزش‌های حقوق بشری و معیار کرامت انسانی تلاش کنند. خوشبختانه معیارها، حدود و مرزهای آزادی رسانه‌های همگانی، در قانون رسانه‌های همگانی و اسناد تقنینی دیگر مشخص شده است و مکلفیت‌های هریک از دارنده امتیاز رسانه‌ها به‌گونه‌ای تدوین و تصویب گردیده است که در صورت تخلف، برخورد حقوقی و قانونی با آن‌ها امکان‌پذیر می‌باشد که این امر، می‌تواند کمک نماید به تأمین آزادی رسانه‌ها و مطبوعات و جلوگیری از تعرض نسبت به آن‌ها. ترویج و حمایت از حق آزادی

فکر و بیان، دفاع از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد آنها، ترویج و انکشاف رسانه‌های همگانی، فراهم کردن زمینه مناسب برای اظهار فکر توسط گفتار، نوشته و امثال آنها، از اهداف مهم این قانون شمرده شده است. توقع می‌رود که با همکاری و هماهنگی حکومت، نهادهای امنیتی، جامعه مدنی و رسانه‌های همگانی در چوکات قانون، شهروندان از این حق مهم خویش برخوردار و بهره‌مند گردند.

۲-۳. تدوین اسناد تقنینی حمایت از زنان و اطفال

برابری زنان و مردان در قانون اساسی افغانستان به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است. علاوه بر آن، حکومت افغانستان جهت حمایت بیشتر از حقوق زنان و اطفال، پیمان‌های بین‌المللی را نیز امضا کرده است؛ بنابراین، در طول هفده سال گذشته، برای حفظ و حراست از حقوق زنان و اطفال در افغانستان، از جانب جامعه جهانی، گروه‌ها و نهادهای مدنی داخلی و حکومت افغانستان تلاش‌های زیادی صورت گرفته و هزینه‌های هنگفتی به مصرف رسیده است و خصوصاً از نظر تدوین اسناد تقنینی نیز مورد توجه جدی بود است و برای حمایت از حقوق بیشتر آنها قوانین و مقرره‌های تصویب گردیده و نافذ شده است؛ اما باز هم روز به روز نگرانی‌هایی در ارتباط با وضعیت نامناسب زنان و اطفال در افغانستان وجود داشته و یکی از دغدغه‌های مهم در این کشور محسوب می‌گردد. هم‌چنین نهادهای بین‌المللی نیز مدام تأکید دارند که وضعیت زنان و اطفال در افغانستان مطلوب نبوده و از نظر حقوقی، شغلی و زندگی فردی و اجتماعی با حالت خیلی رقت‌بار و شکننده مواجه هستند. در عرصه فعالیت‌های اجتماعی خصوصاً زنان از مشارکت کم‌تر بهره‌مند بوده و از مصونیت شغلی محروم می‌باشند. اطفال به کارهای شاقه و خلاف کرامت انسانی‌شان وادار می‌گردند.

واقعیت‌های عینی جامعه افغانستان نیز حاکی از این است که تعداد زیاد از زنان و اطفال با خشونت‌های گوناگون و انواع تبعیض مواجه‌اند و متأسفانه حکومت در خصوص محو و کاهش آن خیلی موفق نبوده است؛ ولی با آن‌هم از هیچ تلاشی دریغ نکرده است؛ خصوصاً در حکومت وحدت ملی زمینه سهم‌گیری و مشارکت بیشتر زنان در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... فراهم گردیده و توجه خاصی نسبت به اطفال صورت گرفته است.

حکومت باورمند است که زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند و به هیچ‌وجه نمی‌توان نقش مثبت و تعیین‌کننده آنان را انکار نمود؛ لذا محروم کردن آنان از فرصت‌ها باعث می‌شود که توانایی‌های مفید و مؤثر این قشر عظیم از بین رفته و استعدادهای انسانی آنها شکوفا نگردند؛ لذا باید زمینه‌های آموزشی به‌درستی برای آنها فراهم شود تا بتوانند توانایی‌های لازم را کسب نموده و مسئولیت‌های تربیتی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی خود را به‌درستی انجام دهند؛ بنابراین، برخورداری زنان از فرصت‌های برابر، نقش زیادی در توسعه و آبادانی کشور دارد و محرومیت آنان باعث محرومیت جامعه از توانمندی آنان خواهد شد. به همین جهت، اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز دولت‌های عضو را مکلف نموده به محو و رفع تبعیض نسبت به زنان به هر شکلی که باشد و همچنین تأکید و توصیه کرده است که همه کشورها باید سیاست رفع تبعیض علیه زنان را بی‌درنگ و به‌طور مقتضی دنبال نمایند؛ چنانچه در قانون اساسی افغانستان نیز به صراحت بیان شده است که: «اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.» هم‌چنین، تهیه قانون محو خشونت علیه زنان به هدف مبارزه با خشونت علیه زنان، به‌عنوان فرمان تقنینی نافذ و اجرایی گردید. این اقدام حکومت گام مثبت دیگر و یک اقدام مناسب و منطقی از سوی حکومت محسوب می‌گردد. این قانون برای نخستین بار، ۲۰ مورد خشونت علیه زنان را جرم پنداشته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

علاوه بر آن، استراتژی حقوق اقتصادی و مصونیت شغلی زنان را توسط کمیته امور زنان و جوانان، تحت رهبری و ریاست جلال‌ت‌مآب محترم استاد سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، مورد بررسی همه‌جانبه قرار داده و در ماه ثور سال ۱۳۹۶ نهایی نموده است. تهیه و تطبیق این استراتژی از دیدگاه جندر از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در راستای کار برای توانمندی زنان در عرصه‌های مختلف، خصوصاً فعالیت‌های اقتصادی زنان، ضروری و لازم تلقی گردیده است و پیامدهای مثبت و چشم‌گیری را به همراه خواهد داشت. البته باید توجه داشت که تطبیق این استراتژی نیازمند هماهنگی‌های لازم میان ارگان‌های مرتبط می‌باشد تا مشکلات و چالش‌های موجود در تساوی جندر و موانع فرصت و ظرفیت نسبت به زنان در ادارات دولتی و غیر دولتی برطرف گردد.

با وجود این استراتژی، مشکلاتی چون آموزش حرفه‌ای و کاریابی، ترویج شناسایی، فعالیت و رهبری در بخش‌های اقتصادی، اشتغال به مشاغل دولتی و غیر دولتی و مشارکت در همه

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و... زنان حل خواهد شد و زمینه‌ی مصونیت‌سازی فضای آموزشی و کاری را برای زنان فراهم خواهد ساخت که این امر، یکی از خواست‌های مهم زنان و آرزوی دیرینه‌ی آن‌ها بوده است و مدام در ملاقات‌های بانوان با جلالت‌مآب محترم معاونت دوم ریاست جمهوری، جناب استاد سرور دانش، مورد تأکید بانوان بوده و همیشه خواستار توجه جدی حکومت در این بخش شده‌اند.

مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها لازم بوده و در سایه‌ی استقلال اقتصادی زنان میسر می‌باشد و هم‌چنین روی بقیه‌ی آزادی‌های آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. سند مذکور با توجه به نیازمندی‌های مخصوص زنان، برای پنج سال در نظر گرفته شده است. البته حضور زنان به تناسب سال‌های گذشته، در ساختار دولت در سطح مرکز، ولایات، و محلات پررنگ‌تر شده است که این امر، می‌تواند به رفع مشکلات این قشر کمک نماید. بر اساس آمارهای رسمی حکومت، بیش از ۲۰ درصد از کارمندان خدمات ملکی بانوان می‌باشند و هم‌چنین در عرصه‌های رهبری، معارف، آموزش، تحصیلات، تجارت، بخش‌های امنیتی و رسانه‌های همگانی نقش مهم داشته و به‌صورت جدی فعالیت می‌نمایند. انتظار می‌رود این مشارکت با تلاش‌ها و توجه جدی حکومت و به همت بانوان توانمند، روز به روز افزایش یابد.

نتیجه‌ی این اقدامات بدیهی است که زنان را به نیرویی فعال و برجسته در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل خواهد کرد. البته در عمل متأسفانه پیشرفت‌ها در زمینه‌ی تأمین حقوق انسانی زنان رضایت‌بخش نبوده و پیاده‌کردن آن در عمل با مشکلات و چالش‌هایی مواجه بوده است.

۴-۲. تدوین برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی با توجه به ارزش‌های حقوق بشری

دسترسی شهروندان به عدالت یک حق مهم از حقوق بشری آنان بوده و تأمین آن، نیازمند نظام سالم، مؤثر و مستقل عدلی در جامعه است. امروزه عدم دسترسی به عدالت و یا دسترسی محدود شهروندان به نهادهای عدلی و قضایی، یکی از مشکلات عمده در این جامعه بوده و وجود بروکراسی پیچیده و طولانی و فساد گسترده‌ی اداری در این نهادها، بی‌اعتمادی شهروندان را در پی داشته و اطمینان آن‌ها را نسبت به مجریان قانون سلب نموده است. به باور شهروندان، نظام عدلی و قضایی در افغانستان از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و تضمین‌کننده‌ی عدالت

نسبت به حقوق افراد در جامعه نمی‌باشد. از سوی دیگر، اصلاحات در همه بخش‌ها، خصوصاً در بخش عدلی و قضایی، از تعهدات و وظایف مهم حکومت افغانستان بوده و هست. به همین جهت، حکومت اراده سیاسی لازم را مبنی بر اصلاحات نهادهای عدلی و حقوقی داشته و مصمم است تا از منابع و ظرفیت‌های موجود استفاده مناسب نموده و گام‌های عملی و مؤثری را بردارند.

نهادهای حقوقی جامعه جهانی که در افغانستان حضور دارند، نیز بر این نکته توافق نظر داشته و تأکید دارند که برای برگرداندن وضعیت عدلی و قضایی به حالت مطلوب، باید از طرف حکومت افغانستان، موضوع حاکمیت قانون و تأمین عدالت به صورت جدی و عملی مطرح گردیده و به‌عنوان یک استراتژی نظام‌مند برای تضمین و حفاظت حقوق شهروندان، از اولویت‌های کاری‌اش باشد. حکومت افغانستان با تصویب برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی و با همکاری همکاران بین‌المللی، مصمم‌اند تا با تدوین پلان‌های تطبیقی و عملی برنامه مذکور، اصلاحات را آغاز نموده و با ایجاد ظرفیت‌سازی و استفاده از نیروهای توانمند و متخصص در نهادهای عدلی و قضایی، عدالت را به بهترین وجه ممکن آن تأمین نموده و قوانین را عادلانه اجرا کنند. مهم‌ترین توقع شهروندان نیز این است که دولت افغانستان به همکاری جامعه جهانی باید تعهداتی را که در راستای حاکمیت قانون از طریق اصلاحات در نهادهای عدلی و قضایی متعهد شده‌اند، برآورده بسازند. در این اواخر، حکومت و جامعه جهانی تلاش کرده‌اند مشکلات موجود در نهادها را با برپایی برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای قاضی‌ها و ثارنوالان جبران کنند؛ ولی عملاً کدام نتیجه‌ای مطلوب و چشم‌گیری در پی نداشته است. یکی از مشکلات جدی و قابل توجه این است که هنوز یک تصویر دقیق و درست از نیازمندی‌های خدمات حقوقی و عدلی در سطح ولایات و ولسوالی‌ها در دسترس نیست تا در روشنی آن، یک ارزیابی واقع‌بینانه در ارتباط با مشکلات این نهادها و کمبودهای آن‌ها صورت گیرد و حال این‌که شناخت از کمبودها و نواقص در همه بخش‌ها، خصوصاً در نظام عدلی و قضایی، مهم‌ترین گام در اجرای تطبیق یک برنامه مؤثر برای اصلاحات محسوب می‌گردد. لذا تأکید جدی رهبری حکومت این است که نهادهای محترم مربوطه صرفاً به صورت نمایشی به تکمیل نمودن جدول‌های پلان تطبیقی برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی اکتفا نکنند؛ بلکه تلاش به خرج دهند تا با دقت بیشتر و با توجه به مشکلات موجود و بر اساس نیازمندی‌های مناطق مختلف (ولایات و ولسوالی‌ها)، پلان‌های تطبیقی‌شان را تنظیم نمایند.

بدون شک برای استقرار ثبات و حفظ ارزش‌های حقوق بشری در جامعه، هم‌چنان‌که به تقویت و اصلاحات در بخش نیروهای امنیتی ضرورت است، برقراری حاکمیت قانون و تأمین عدالت نیز ضرورت مبرم داشته و از نظر درجه اهمیت به هیچ‌وجه کم‌تر از آن نیست؛ لذا حکومت افغانستان به منظور انجام تعهدات داخلی و بین‌المللی خود، نسبت به حاکمیت قانون و تأمین عدالت در جامعه و در راستای تأمین ارزش‌های حقوق بشری و محو فساد اداری در نهادهای عدلی، فیصله‌ها و محاکمه‌های عادلانه و معیاری در محاکم، پیش‌گیری از برخوردها و توقیف‌های خودسرانه و غیر قانونی و امثال آن، برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی را تدوین و تصویب نموده است. پلان‌های تطبیقی و عملی آن نیز توسط خود نهادهای مربوطه تهیه و آماده شده و اجرا خواهد شد.

برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی به منظور نیل به اهدافی هم‌چون ارائه خدمات مؤثر عدلی و قضایی به شهروندان، دسترسی آنان به عدالت، تأمین حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری، تضمین شایسته‌سالاری، افزایش ظرفیت مسلکی کارکنان عدلی و قضایی و دسترسی آن‌ها به امکانات و تجهیزات مدرن الکترونیکی، تقویت ظرفیت و مکانیزم اصلاح قوانین و ساختار سکتور عدلی و قضایی، آگاهی شهروندان از حقوق و وجایب آن‌ها؛ تهیه و از طرف حکومت تأیید شده است. عملی نمودن اهداف برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی از مسئولیت‌های اصلی و عمده نهادهای ذی‌ربط بوده و دسترسی بهتر شهروندان به عدالت و خدمات باکیفیت از اهداف کلیدی برنامه مزبور است. زمینه‌های دسترسی به عدالت برای همه شهروندان کشور، به‌خصوص اقشار آسیب‌پذیر جامعه، مانند زنان و کودکان، در سایه حاکمیت قانون تحقق یافته و امکان‌پذیر خواهد بود؛ لذا اصلاح ساختاری در نهادهای عدلی و قضایی، اصلاح قوانین، ارتقای ظرفیت کارکنان نهادهای مربوطه و ایجاد شفافیت در اجراات و هم‌چنین هماهنگی میان نهادهای عدلی و قضایی، یکی از اولویت‌های اساسی است که در برنامه مذکور بر آن تأکید گردیده است.

لازم به ذکر است که برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی در ابتدا توسط همکاران بخش حقوقی دفتر مقام معاونت دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، تحت رهبری و مدیریت جلالت‌مآب محترم، استاد سرور دانش، تنظیم و ترتیب داده شد. مسوده برنامه مذکور جهت غنامندی بیش‌تر، چندین بار در کمیته عدلی و قضایی در معاونت دوم ریاست جمهوری مورد بحث و بررسی همه‌جانبه قرار گرفته و نهایی گردید و بعد از تأیید کابینه، از سوی شورای عالی

حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری نیز تأیید گردید. طبق آن، نهادهای مربوطه موظف شده‌اند که با توجه به برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی، پلان‌های عملی و تطبیقی‌شان را در چوکات برنامه مذکور تهیه نموده و جهت تصویب شورای عالی حاکمیت قانون، به دفتر مقام معاونت دوم ارسال کنند. هم‌چنین نهادهای مربوطه موظف هستند تا در هر سه ماه گزارشی از تطبیق برنامه ملی اصلاحات، به کمیته عدلی و قضایی تحت ریاست محترم استاد سرور دانش، معاون دوم رئیس جمهور، ارائه نمایند.

۳. ایجاد شورای عالی حاکمیت قانون

بدون شک عدم نظارت و نبود یک سیستم مؤثر و کارآمد حقوقی و قانونی، باعث از بین رفتن حس مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری افراد در جامعه گردیده و سبب ترویج و گسترش فساد خواهد شد و در نتیجه نقض ارزش‌های حقوق بشری را به همراه خواهد داشت. حل این معضل، نیازمند تصامیم مفید، اقدامات مؤثر و اتخاذ تدابیر لازم از طرف حکومت است. در همین راستا، شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری به هدف نظارت و تعقیب تصامیم اتخاذشده از طرف حکومت و جلوگیری از نقض حقوق بشر، نقض قوانین و مقررات، اصلاح و تقویت نظام عدلی و قضایی مبتنی بر حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت، اصلاح اسناد تقنینی و مبارزه مؤثر، قاطع و همه‌جانبه علیه انواع فساد اداری تشکیل شده است. البته باید روند نظارتی حکومت به‌گونه‌ای گسترش یابد که سبب توسعه بروکراسی اداری نگردیده و بر مشکلات و معضلات جامعه نیافزاید؛ لذا علاوه بر وجود یک اراده سیاسی محکم و جدی در جهت محو و نابودی فساد اداری، هماهنگی لازم و هم‌سو عمل نمودن نهادهای دولتی و قوای حکومتی در کشور لازم به نظر می‌رسد و هم‌چنین تقویت سیستم عدلی و قضایی و پیش‌بینی و اجرای مجازات‌های متناسب برای مفسدین اداری، جهت کاستن و از بین بردن سوءاستفاده‌ها، ضروری بوده و به‌عنوان راه‌کارهایی در جهت مبارزه با این پدیده شوم مطرح می‌باشد و در کنار آن، تقویت هرچه بیشتر مطبوعات و رسانه‌ها نیز در جهت انعکاس دادن فساد اداری مقامات عالی‌رتبه دولتی به‌صورت آزاد و شفاف، لازم بوده و می‌تواند به‌عنوان یک عاملی مؤثر در مبارزه علیه فساد اداری مطرح گردد.

۳-۱. تأکید بر رعایت قواعد حقوق بشردوستانه

زندگی اجتماعی انسان‌ها همراه با منازعه و مخاصمه آغاز گردیده و در طول تاریخ گرفتن جنگ‌ها و نزاع‌های تلخ و ویرانگر بوده است و معمولاً وقوع جنگ‌ها نیز میان افراد بشر به‌عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر مطرح بوده است. از طرف دیگر، در هر عصر و نسلی که مخاصمه روی داده است، متأسفانه نقض حقوق بشری افراد را به‌دنبال داشته است؛ خصوصاً در منازعات و مخاصمات مسلحانه در قرون اخیر که جنگ به‌صورت مرگبارترین و رقت‌بارترین وجه ممکن اتفاق افتاده و در حال گسترش می‌باشد. در افغانستان وخامت‌بارترین نوع جنگ‌های خونین و رفتارها و برخوردهای ضد کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه داخلی اتفاق افتاده است.

از نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، طرفین و یا طرف‌های درگیر منازعه - اعم از بین‌المللی و داخلی - مؤظف و مکلف هستند که قواعد حقوق بشردوستانه را رعایت کنند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند از آن تخطی نمایند. به همین جهت، در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، با توجه به قواعد و اصول لازم‌الاجرای بین‌المللی، به رعایت و احترام گذاشتن به اسناد مزبور تأکید شده است و هدف از تأکید روی این اصول و قواعد، صرفاً محافظت و حمایت از افراد و گروه‌هایی است که در مخاصمه دخیل نبوده و نیستند و یا به نحوی از جنگ دوری کرده‌اند؛ لذا محدود ساختن رفتارهای جنگی و استفاده از خشونت‌های ضد کرامت انسانی و ابزار جنگی در دوران منازعات مسلحانه و کاهش درد و رنج انسانی ناشی از منازعه، از اهداف مهم اصول و قواعد حقوق بشردوستانه محسوب شده است.

در «کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو، پروتکل الحاقی دوم» و قواعد عرفی بین‌المللی تأکید شده است که طرفین مخاصمه باید در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی، قواعد حقوق بشردوستانه را در نظر داشته باشند. در اسناد مزبور به صراحت بیان شده است که تخطی از قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه ممنوع بوده و نقض صریح حقوق بشری و قواعد حقوق بشردوستانه تلقی می‌گردد؛ لذا اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به حیات اشخاص، به‌ویژه قتل از هر نوع آن، قطع اعضای بدن و نیز رفتارهای بی‌رحمانه هم‌چون شکنجه و یا کلیه اشکال مجازات بدنی، تجاوز بر حیثیت شخص، به‌ویژه رفتار اهانت‌بار و تحقیرآمیز، تجاوز جنسی، واداشتن به فحشا و کلیه اشکال تجاوز منافی عفت، استفاده از سپر انسانی، گروگان‌گیری، اقدامات تروریستی، کشتارها و مجازات‌های جمعی، تاراج اموال عمومی، غارت شهر یا محلی،

صدور دستور جابه‌جایی اهالی غیر نظامی، تخریب یا ضبط اموال و ملکیت‌های عمومی و خصوصی و تخریب و ضبط اموال و ملکیت طرف مقابل، هدف قراردادن غیر نظامیان و اموال و اماکن غیر نظامی و... ممنوع است. همچنین طرفین یا طرف‌های درگیر مکلف هستند به این‌که بین افراد نظامی و غیر نظامی تفکیک قایل شوند. حمله به مناطق و محل‌های کور یا نقاطی که افراد غیر نظامی در آن حضور دارند و حمله به اموال و اشیای غیر نظامی، ممنوع است.

قواعد فوق بر اساس ارزش‌های حقوق بشری و اصول لازم‌الاجرای بین‌المللی حقوق بشردوستانه، به هدف حفاظت و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری افراد در جوامع مختلف، طرح و تدوین گردیده است؛ از قبیل اصل کرامت انسانی، اصل محدودیت در استفاده از سلاح‌های غیر مجاز و ابزارهای جنگی غیر معمول، اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان، اصل منع درد و رنج بیش از اندازه، اصل تناسب، اصل حفظ محیط زیست، اصل ضرورت نظامی و اصل احتیاط از جمله اصول اساسی حقوق بشردوستانه هستند که لزوماً باید در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی توسط طرفین یا طرف‌های درگیر، مورد توجه و احترام قرار گیرند؛ بنابراین، طرفین و طرف‌های منازعه مسئولیت دارند در درگیری‌ها به اصول فوق توجه نموده و نظامیان را از غیر نظامیان و اهداف نظامی را از اهداف غیر نظامی تفکیک کنند و به اموال عمومی آسیب نرسانند و به هیچ‌وجه غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی را مورد حمله قرار ندهند و باید متوجه باشند که نقض این اصول و گذشتن از این قواعد در حملات جنگی، جنایت جنگی تلقی گردیده است.

قواعد حقوق بشردوستانه در صدد کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز بوده و وسیله کنترل اعمال ضد انسانی و بشری می‌باشد؛ ولی متأسفانه در منازعات داخلی افغانستان هیچ توجه به این اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی نشده است و نقض و بی‌اعتنایی نسبت به آن‌ها در حال گسترش بوده و در مناطق مختلف این کشور توسط طرفین درگیر خصوصاً مخالفین مسلح دولت زیر پا گذاشته شده و نادیده گرفته می‌شود؛ مانند قتل و کشتن افراد بی‌گناه و بی‌طرف، سربردن آن‌ها، کشتار بی‌رحمانه زنان و اطفال، هدف قراردادن افراد غیر نظامی، تجاوز جنسی، استفاده از سپر انسانی، گروگان‌گیری، حمله به مراکز مذهبی و آموزشی، تخریب بیمارستان‌ها، تخریب و تاراج اموال عمومی و خصوصی، کوچ اجباری افراد غیر نظامی، تهدید رسانه‌ها و مدافعان حقوق بشر و... از مصادیق آشکار نقض قواعد حقوق بشردوستانه در افغانستان می‌باشد.

در این ارتباط گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز حاکی از نقض قواعد حقوق بشردوستانه در افغانستان بوده و بیش تر تلفات افراد ملکی رابه همراه داشته است؛ خصوصاً در سال گذشته که یکی از خونین ترین سال های جنگ محسوب گردیده و هزاران قربانی داشته است. حملات انتحاری، درگیری های زمینی، ترور و قتل، ماین های کنار جاده و حملات راکتی و حملات هوایی بیش ترین تلفات غیر نظامیان را در پی داشته است؛ لذا لازم و ضروری است که طرفین درگیر و مخالفین مسلح حکومت، متوجه مسئولیت خویش باشند و به اصول، قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه عرفی احترام بگذارند و بدانند که هر نوع تخطی از این قواعد، موجب مسئولیت گردیده و مرتکبان آن قابل تعقیب عدلی و قضایی هستند؛ لذا مخالفین مسلح دولت باید متوجه باشند که کشتن افراد ملکی و آسیب رساندن به افراد و اموال ملکی ممنوع بوده و باید به گروگان گیری ها، ترور و قتل مسافران، کشتن افراد متنفذ ملکی و امثال آن ها خاتمه دهند و از محاکمه های صحرایی اجتناب ورزند.

حکومت افغانستان نیز در صدد است تا به موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات مسلحانه داخلی رسیدگی نموده و مرتکبان نقض آن را شناسایی و مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار دهد. دولت افغانستان با در نظر داشت اصول و مقررات فوق، تأکید و تلاش دارد که از جان، مال و کرامت غیر نظامیان حفاظت نماید و همچنین در ارتباط به رسیدگی به قضایای نقض حقوق بشردوستانه بین المللی با محکمه جزایی بین المللی همکاری های لازم را داشته و اسناد، شواهد و مدارک مربوط به قضایای جنایات جنگی را به آن محکمه بسپارد.

۲-۳. تدوین و تصویب مقررہ حمایت از حقوق بشر در ادارات دولتی

حکومت افغانستان جهت توجه بیش تر و حمایت عملی از حقوق بشر، مکانیزم عملی تحت عنوان مقررہ حمایت حقوق بشر در ادارات دولتی را تدوین و تصویب نموده است؛ به منظور فراهم نمودن زمینه رعایت ارزش های حقوق بشری افراد با توجه به اسناد بین المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق ها و معاهدات بین المللی حقوق بشری که حکومت افغانستان به آن ها ملحق شده است. همچنین فراهم نمودن زمینه تطبیق مکانیزم های نظارتی نهادهای ملی و بین المللی حقوق بشر در ادارات دولتی را در مطابقت با اسناد تقنینی نافذ، وظیفه و مسئولیت خویش می داند. همچنین ایجاد هماهنگی میان قوانین، مقررہ ها، پالیسی ها، استراتژی ها و برنامه های ادارات دولتی با معیارهای حقوق بشری و ارتقای سطح آگاهی کارکنان

وزارت‌ها و ادارت دولتی در عرصه حقوق بشری، از اهداف مهم این مقررده بوده است.

۳-۳. تدوین و تصویب قانون منع شکنجه

رعایت و حفظ کرامت انسانی و تأمین حقوق مظنونین، متهمین و محکومین در مراحل تعقیب عدلی، جلوگیری از شکنجه مظنون، متهمین، محکومین و سایر اشخاص در مراحل کشف جرم، تحقیق، محاکمه و تنفیذ مجازات، حمایت از متضررین شکنجه و شهود ارتکاب آن، تعقیب عدلی مرتکبین جرم شکنجه، تأمین جبران خساره متضرر جرم شکنجه از اهداف مهم این قانون بوده و حکومت افغانستان در تلاش است که بر اساس این قانون، برخوردهایش را با افراد مذکور قانونمند نموده و انسانی سازد. در قانون اساسی افغانستان نیز تأکید شده است که تعذیب انسان‌ها ممنوع است.

نتیجه‌گیری

دولت افغانستان اراده سیاسی لازم را مبنی بر احترام و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد داشته و مصمم است تا از منابع و ظرفیت‌های موجود استفاده مناسب نموده و گام‌های عملی و مؤثری را در راستای حفظ و حراست از ارزش‌های حقوق بشری افراد بردارد. به همین جهت، موضوع حاکمیت قانون و تأمین عدالت به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح گردیده و تدوین استراتژی نظام‌مند برای تضمین و حفاظت حقوق شهروندان در اولویت‌های کاری‌اش قرار گرفته است. دولت افغانستان با توجه به اسناد تقنینی و برنامه‌های ملی اصلاحات در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف با همکاری همکاران بین‌المللی، مصمم‌اند تا با تدوین پلان‌های تطبیقی و عملی خویش، اصلاحات را انجام دهند و با ایجاد ظرفیت‌سازی و استفاده از نیروهای توانمند و متخصص، عدالت را به بهترین وجه ممکن آن تأمین نمایند و قوانین را عادلانه اجرا کنند. توقع شهروندان نیز این است که دولت افغانستان به همکاری جامعه جهانی باید تعهداتی را که در راستای حاکمیت قانون و تأمین حقوق بشری افراد در جامعه از طریق اصلاحات در همه نهادها، از جمله در نهادهای عدلی و قضایی، متعهد شده است، برآورده سازد. توجه به حقوق و آزادی‌های عمومی افراد و همچنین مکلفیت‌های آن‌ها از سوی حکومت، تضمین‌کننده حقوق بشر و آزادی‌های عمومی افراد می‌باشد. خوشبختانه در افغانستان، برخوردارشدن از این حقوق و آزادی‌ها در چارچوب قوانین تضمین گردیده است و حفظ نظم

عمومی، مصالح عامه و اخلاق حسنه و باورهای مردم مهم دانسته شده و به پایبندی به آنها تأکید شده است.

منابع

۱. برنامه ملی اصلاحت عدلی و قضایی ۱۳۹۶، نشر دفتر معاونت دوم ریاست جمهوری.
۲. خسروی، حسن (۱۳۹۲)، حقوق اساسی ۱، تهران، نشر دانشگاه پیام نور.
۳. خسروی، حسن (۱۳۹۲)، حقوق اساسی ۲، تهران، نشر دانشگاه پیام نور.
۴. دانش، سرور (۱۳۹۴)، حقوق اساسی افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۵. رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷) کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان.
۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳) فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۷) بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
۸. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۹. قانون حمایت از رسانه‌های همگانی ۱۳۸۸، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۰. قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال ۱۳۹۶، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۱. قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۲. قانون منع شکنجه ۱۳۹۶، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۳. مقررۀ حمایت از حقوق بشر در ادارات دولتی ۱۳۹۳، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۴. مقررۀ طرز تأسیس و فعالیت رسانه‌های همگانی خصوصی ۱۳۹۴، نشر وزارت عدلیه افغانستان.